اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش دوم



فقدان ارتباط و گفت‌وگو

حجةالاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

یکی دیگر از اسباب اختلاف میان مسلمانان دوری‌جستن بیهوده و طولانی‌مدت آنان از یکدیگر است؛ زیرا این جدایی و بی‌خبری از هم، اندک‌اندک زمینه‌ساز بروز سوءظن‌ها و در پی آن، تهمت‌هایی خواهد شد که نه‌تنها محبت‌ها را از بین خواهد برد و احساس مسئولیت‌ها را به بی‌توجهی در برابر سایر برادران دینی تبدیل خواهد کرد، بلکه باعث می‌شود اختلاف و برادرکشی و فتنه‌انگیزی جای آن‌ها را بگیرد. قرآن کریم از این فرایند شوم این‌گونه پرده برمی‌دارد: ﴿وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا﴾[1]مانند کسانی نباشید که تفرقه را پیشه خود ساختند و درنتیجه با هم به اختلاف پرداختند».

امیرالمؤمنین علیه السلام این فرایند شیطانی را این‌گونه تبیین می‌فرماید: «إِنَّ اَلشَّيْطَانَ يُسَنِّي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ اَلْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ اَلْفِتْنَةَ فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغَاتِهِ وَ

نَفَثَاتِهِ وَ اِقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ وَ اِعْقِلُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ:[2] شیطان راه‌های انحرافی خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد[رشته‌های محکم]دین شما را گره‌گره بگشاید و به‌جای اتحاد و هماهنگی، تفرقه ایجاد کند و به‌وسیله تفرقه فتنه برپا سازد. حال که چنین است، از وسوسه‌ها و فریب‌های او روی بگردانید و نصیحت را از کسی که به شما هدیه می‌کند پذیرا شوید و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید».

همان‌طورکه ملاحظه می‌کنید، در این دو نقل، دلیل اختلاف میان مسلمانان تفرقه و جدایی آنان از یکدیگر شمرده شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، نبود تعامل و گفت‌وگو میان یک جمع موجب می‌شود آنان دچار سوءظن به هم شوند و یکدیگر را به چیزهایی متهم کنند که واقعیت ندارد، ولی می‌توانند زمینه خونریزی و شکست را فراهم سازد. شیطان هم در رخ‌دادن این اتفاق، به‌تدریج اقدام می‌کند (عُقْدَةً عُقْدَةً) تا مسلمانان تغییر هویت خود را احساس نکنند. در ماجرای صفین دقیقاً همین برنامه‌های شیطانی اجرا شد. نخست شیطان به آن‌ها القا کرد که پذیرش حکمیت سهل‌ترین راه برای رسیدن به صلح و آرامش است؛ سپس آن‌ها را به نافرمانی در برابر دستورهای امیرالمؤمنین درزمینه جهاد دعوت کرد و به دنبال آن، تفرقه و نفاق در آن لشکر عظیم افکند که نتیجه آن فتنه عمروبن‌عاص در بر نیزه کردن قرآن‌ها و خوارج نهروان بود. ازاین‌رو در احادیثی چند مسلمانان را به نقش تأثیرگذار ارتباط و گفت‌وگو و تبادل محبت و فکر توجه داده‌اند:

1. پیامبرصلی الله علیه و آله فرمودند: «الزِّيارَةُ تُنبِتُ المَوَدَّةَ:[3] دیدار یکدیگر محبت‌آور است». در حاشیه الدر الکامنة، ابن‌حجر عسقلانی می‌گوید: «إنَّ ابْنَ الْمُطَهَّرِ حَجَّ فِي أواخِرِ عُمْرِه، لَمَّا حَجَّ إجْتَمَعَ هُوَ وَ ابْنُ تِيمِيَّةِ وَ تَذاكَرَا فَأعْجَبَ إبْنُ تِيمِيةِ كَلامَهُ فَقَالَ لَهُ: مَنْ تَكُونُ يَا هَذَا؟ فَقَالَ: الَّذِي تُسَمِّيهِ إبْنُ الْمُنَجِّسِ. فَحَصَلَ بَيْنَهُمَا أنْسٌ وَ مُبَاسِطَةٌ:[4] همانا ابن‌مطهر (علامه حلی) در اواخر عمرش به سفر حج رفته بود. بعد از اتمام حج، او و ابن‌تیمیه با یکدیگر ملاقات کردند و به مذاکره نشستند. ابن‌تیمیه از کلام او به تعجب آمد و به او گفت: تو کیستی ای مرد؟ او گفت: من همان کسی هستم که او را ابن‌المنجس (فرزند نجس) نامیده‌ای. در آن هنگام بود که بین آن دو انس و گشاده‌رویی حاصل شد».

2. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا إخْوَةً بَرَرَةً، مُتَحَابِّينَ فِي اللهِ، مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ؛ تَزَاوَرُوا وَ تَلاقَوْا وَ تَذَاكَرُوا:[5] تقوای الهی پیشه کنید و با هم برادرانی نیکوکار باشید؛ به‌خاطر خداوند همدیگر را دوست بدارید؛ با هم صله‌رحم

کنید و به همدیگر رحم کنید؛ به زیارت یکدیگر بروید و با هم ملاقات کنید و به یاد هم باشید».

3. أنس از پیامبرصلی ا علیه و آله روایت کردند: «ما مِن عَبدَینِ مُتَحابَّینِ في ا یَستَقبِلُ أحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَیُصَافِحَهُ، لَم یَفتَرِقَا حَتَّی تُغفَرُ ذُنُوبُهُمَا، مَا تَقَدَّمَ مِنهُمَا وَ مَا تَأخَّرَ[6]: وقتی دو نفر از بندگان خدا از روی محبت با هم برخورد کنند و دست در دست هم می‌نهند، قبل از آنکه از هم جدا شوند، خداوند گناهان گذشته و آیند آن دو را می‌بخشد».

امروزه در جوامع اسلامی گفتگو به هدف رسیدن به درک متقابل، و دستیابی به فهم مشترک بسیار مورد بی توجهی است. در حالیکه مشترکات حد اکثری مسلمانان در آموزه های اسلامی، می تواند بهترین دست مایه برای بحث دوجانبه و رسیدن به درک مشترک نسبت به شناخت مشکلات جوامع اسلامی باشد. و همین درک متقابل زمینه ساز ارائه راه حل های قوی برای حل آن است.

وضعیت دردناک جهان اسلام که نتیجه عواملی مانند عدم ارتباط و گفت‌وگو است خود برای درک وجوب، بلکه ضرورت کنار هم نشستن مسلمانان کافی است. و علاوه بر آن قطع صله رحم بین خویشاوندان که به شدت مورد نکوهش قرآن واقع شده است را می توان به رحم دینی هم سرایت داد: الَّذینَ ینْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ میثاقِهِ وَ یقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یوصَلَ وَ یفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُون[7]دلیل این سرایت این است که؛ هر مسلمانی در برابر دیگر مسلمانان وظایف و به طبع حقوقی دارد که ادای آنها با فاصله گیری هیچ گاه تامین نخواهد شد. نکته جالب تر اینکه در این آیه نتیجه عدم ارتباط میان مسلمانان را موجب هر گونه فسادی برشمرده است، که زمینه ساز خسران و زیان دیدن همگی می شود: یفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُون.

[1]. آل عمران، 105.

[2]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، خ121.

[3]. مجلسی، بحار الانوار، ص۷۴، ص355، ح32.

[4] . عسقلانی، الدر الکامنة، ج2، ص71 و 72؛ ابن تیمیه حراني، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، ج۱، ص 99.

[5] . حر عاملی، هدایه الامّه الی احکام الائمه، ج۵، ص182؛ کلینی، الکافی، ج۲، ص175؛ شیخ صدوق، مصادقه الاخوان، ص۲۴.

[6]. مسند ابی یعلی، ج۵، ص۳۳۴؛ بیهقی، شعب الایمان، ج۶، ص۴۷۱.

[7]. بقره: 25.